

فهرست

پیشگفتار	۱۷
فصل اول: فلات ایران از زمان پارینمنسنگی تا ظهور شاهنشاهی هخامنشی	۳۱
فصل دوم: ایلامی‌ها	۶۳
فصل سوم: جامعه‌ها و استیایی	۹۱
فصل چهارم: شاهنشاهی هخامنشی	۱۵۵
فصل پنجم: ایران در زمان اسکندر بزرگ و سلوکیان	۱۸۳
فصل ششم: شاهنشاهی اشکانی	۲۱۱
فصل هفتم: شاهنشاهی ساسانی	۲۴۱
فصل هشتم: ایران در ابتدای دوران اسلامی	۲۶۹
فصل نهم: ایران در قرون وسطی	۲۹۵
فصل دهم: مغول‌ها در ایران	۳۱۷
فصل یازدهم: تیموری‌ها و ترکمن‌ها: گذار و شکفتگی در قرن پانزدهم	۳۵۱
فصل دوازدهم: صفویان در تاریخ ایران	۳۶۹
فصل سیزدهم: میان دوره‌ی افغان‌ها و برآمدن دودمان‌های زندیه و افشاریه	۳۹۵
فصل چهاردهم: ایران در زمان قاجار	۴۱۳
فصل پانزدهم: عصر پهلوی: نوگرایی ایرانی در بستر جهانی	۴۴۷
فصل شانزدهم: ایران پس از انقلاب	۴۷۳
تبارشناسی دودمان‌های فرمانروایی در ایران	۵۰۵

کارنامه دودمان‌ها در ایران پس از انقلاب اسلامی
 نویسنده: دکتر سید علی حسینی
 ترجمه: دکتر سید علی حسینی
 تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۵

فصل اول

فلات ایران از زمان پارینه‌سنگی تا ظهور شاهنشاهی هخامنشی

کامیار عبدی

نوشتن تاریخ باستانی ایران از منظر مردم‌شناسی چالش برانگیز است. برخلاف بین‌النهرین یا مصر، که در آنها فرهنگ بومی در دره‌وردها به صورت کمابیش پیوسته تکامل یافته است، ویژگی‌های جغرافیایی گوناگون ایران موانع عمده‌ای برای رشد یکنواخت فرهنگی اجتماعی به وجود آورده است. رشته‌کوه‌های مرتفع و بیابان‌های وسیع بی‌آب و علف ایران را به چندین منطقه‌ی زیست‌محیطی کاملاً مجزا تقسیم می‌کنند که هر کدام دارای موقعیت فرهنگی محلی و خط سیر اجتماعی خاص خود هستند و در طول زمان با شیوه و شتابی گوناگون تغییر می‌کنند. تنوع فرهنگی اجتماعی بیشتر در دوره‌های اولیه مشهود است؛ در حالی که جنوب‌غربی ایران شاهد ظهور جوامع و ایالت‌های پیچیده و مختلط بود، مناطقی از شرق ایران در روستاها و شهرهای کوچک خلاصه می‌شد. بعدها، در عصر برنز، هنگامی که شرق ایران دوره‌ی کوتاهی از شهرنشینی را تجربه کرد، مناطق غربی و شمال‌غربی کشور تنها چند شهر قابل ملاحظه داشتند و احتمالاً اغلب مردم به سبک عشایری زندگی می‌کردند.

با این حال، باید در نظر داشته باشیم که باستان‌شناسی ایران در یک قرن و نیم گذشته، به مناطق مختلف کشور و دوره‌ی پیشاتاریخ توجه ناهم‌بندی داشته است. در حالی که روی بخش قابل توجهی از غرب و جنوب‌غرب ایران بررسی نسبتاً جامعی صورت گرفته، سرزمین‌های شرقی و شمالی ایران از نظر باستانی تا حد زیادی ناشناخته مانده‌اند. میزان پژوهش‌های باستان‌شناسی روی دوره‌های مختلف نیز بسیار متفاوت است. برای مثال، تحقیقات در مورد دوره‌ی پارینه‌سنگی نسبت به مدت زمان طولانی آن بسیار ناچیز است، در حالی که دوره‌ی نوسنگی به دلیل اهمیتش در مباحث اصلی باستان‌شناسی، مانند منشاء تولید مواد غذایی و یکجانشینی، مورد توجه بسیاری قرار

گرفته است. به دوره‌های ابتدایی عصر مس نیز توجه کافی نشده، در حالی که دوران شکل‌گیری دولت‌های اولیه در عصر مس پایانی با جزئیات قابل توجهی بررسی شده است. عصر برنز آغازین بیشترین تفاوت را در تحقیقات باستان‌شناسی نشان می‌دهد؛ در حالی که دوره‌ی نیایلامی در جنوب و شرق ایران یکی از موضوعات رایج تحقیق بوده، فرهنگ هم‌دوره‌ی یانیک در شمال‌غربی ایران نادیده گرفته شده است. پدیده‌های شهرنشینی و تبادلات بین منطقه‌ای در عصر برنز میانه به طرز چشمگیری باستان‌شناسان را به خود جلب کرده، در حالی که تحقیقات روی عصر برنز پایانی و عصر آهن آغازین به سختی از کشف بقایای مردگان فراتر رفته است. عصر آهن پایانی نیز تا حدودی مورد مطالعه قرار گرفته، بیشتر به خاطر ظهور مدها و پارس‌ها، اما این دوره نیز بخش‌های ناشناخته‌ای دارد.

بنابراین جای تعجب نیست که دانش باستانی ما از ایران هم از نظر زمانی و هم از نظر مکانی یکدست نیست؛ این واقعیتی است که خوانندگان هوشیار باید در مورد این بررسی مختصر پیشاتاریخ ایران بدانند.

دوران پارینه‌سنگی (حدود ۱/۰۰۰/۰۰۰ تا ۱۲/۰۰۰/۰۰۰ قبل از میلاد)

جابه‌جایی شکارچیان و گردآورندگان

تحقیقات در مورد دوران پارینه‌سنگی ایران در آغاز راه خود قرار دارد، اما موقعیت استراتژیک ایران در خاور نزدیک، گستره‌های آبی در مرزهای شمالی و جنوبی، نشان می‌دهد که این سرزمین تنها پل زمینی بوده است که شکارچیان و گردآورندگان دوران پارینه‌سنگی در مهاجرت از آفریقا به جنوب‌شرق آسیا از آن استفاده می‌کرده‌اند. در حالی که شواهد مربوط به دوران پارینه‌سنگی ایران کمیاب، ناپیوسته و نامطمئن است، کشف اخیر هومو اراکتوس^۱ در گرجستان، و همچنین بقایای فراوان از دوره‌ی پارینه‌سنگی قدیم در سرزمین‌های شرقی، آینده‌ی پژوهشی روشنی را نوید می‌دهد. محل سکونت در دوران پارینه‌سنگی، که بیشتر در زاگرس کشف شده است، معمولاً در غارها و مکان‌هایی بوده که دسترسی به مواد اولیه برای ساخت ابزارهای سنگی راحت باشد. ابزارهای سنگی این دوران، که به طور کلی موستری نامیده می‌شوند، شامل مثلث‌های نوک‌تیزی می‌شده که نشان‌دهنده‌ی اقتصادی عمدتاً متکی بر شکار است. در حقیقت، تجزیه و تحلیل بقایای جانوران موجود در غار کوبه، غار خر و پناهگاه سنگی وارواسی در زاگرس مرکزی نشان می‌دهد که طیف گسترده‌ای از جانوران سُم‌دار از جمله برخی پستانداران بزرگ توسط مردم عصر پارینه‌سنگی شکار می‌شده‌اند.

۱- Homo-Erectus یا انسان راست‌قامت نام گونه‌ای منقرض شده از انسان تباران است.

الگوی استقرار دوره‌ی پارینه‌سنگی جدید در زاگرس، تغییر مکان به سمت فضاهای باز را نشان می‌دهد و به نظر می‌رسد سلسله مراتبی رعایت می‌شده، از جمله برخی محوطه‌های بزرگ‌تر که احتمالاً محل استقرار گروهی پنجاه نفره بوده است. علاوه بر این، اردوگاه‌های خانوادگی کوچک‌تری وجود داشته است که از فروپاشی گروه‌های بزرگ‌تر تشکیل شده بودند. سطوح پایین‌تر سکونت‌گاه‌های عصر پارینه‌سنگی جدید شامل اردوگاه‌های موقت شکار و ماهیگیری برای یک تا پنج مرد، و اردوگاه‌های کوچک یک تا سه نفره‌ی یکی دوازده به منظور تهیه‌ی مواد خام بوده است.

در دوره‌ی پارینه‌سنگی جدید، شاهد تغییر و تحول در صنعت ابزارسازی سنگی هستیم. پارینه‌سنگی جدید زاگرس در وهله‌ی اول به خاطر ابزارهای سنگی برادوستی^۱ و زرزی^۲ مشهور است. در مقایسه با ابزارسازی موستری، برادوستی نشانگر افزایش نوع ابزارها و تغییر تکنیک ساخت آنهاست. در حالی که ساخت برخی ابزارهای کنترانش ادامه می‌یابد، انواع جدیدی از تیغه‌ها و ریز تیغه‌ها پدیدار می‌شوند که نشانگر تغییر در نوع امرار معاش و استفاده‌ی بیشتر از منابع گیاهی است. صنعت ابزارسازی بعدی، معروف به زرزی، احتمالاً از برادوستی سرچشمه گرفته اما فاصله‌ی زمانی بین این دو نیز محتمل است. چرخش به سمت ابزارهای کوچک‌تر و اصلاح‌شده که از دوره‌ی قبل آغاز شده بود، با تولید ریز تیغه‌ها و ریز اسکنه‌های زرزی ادامه یافت.

آنطور که تخمین زده می‌شود، دوره‌ی زرزی از ۲۰/۰۰۰ سال پیش از میلاد آغاز شده و شاید در ۱۲/۰۰۰ پیش از میلاد به پایان رسیده باشد، اگرچه فقط چند محوطه‌ی تاریخ‌دار برای تایید این تخمین‌ها موجود است. یکی از معدود تاریخ‌گذاری‌های دوره‌ی زرزی مربوط به غار پاسنگر در دشت خرم‌آباد است که نشان می‌دهد این غار بین سال‌های ۱۵/۳۰۰ تا ۱۵/۰۰۰ پیش از میلاد اشغال شده بوده، هم‌زمان با غارهای کباران در سرزمین شام که از لحاظ گونه‌شناختی با زرزی ویژگی‌های مشترکی دارد. در اواخر دوره‌ی زرزی، هم‌زمان با پایان دوره‌ی پلیستوسن^۳ در حدود ۱۲/۰۰۰ سال پیش از میلاد، صنعت ابزارسازی روی ساخت ریز تیغه‌ها و ابزارهای ترکیبی، احتمالاً برای آسیاب دانه‌های وحشی، تاکید داشته است؛ شواهد یافت شده در محوطه‌هایی مانند غار

۱- فرهنگ برادوستی قدیمی‌ترین فرهنگ دوره‌ی پارینه‌سنگی جدید بوده است. ابزارهای سنگی در این فرهنگ نسبت به دوره‌ی پارینه‌سنگی میانی متنوع‌تر و تخصصی‌تر بوده است.

۲- فرهنگ زرزی یکی از فرهنگ‌های عصر پارینه‌سنگی جدید بوده است. ریز تیغه‌های بسیاری از این فرهنگ یافت شده که به شکل دوزنقه نامتقارن و مثلث‌های توخالی هستند.

۳- پلیتوسن یکی از دوره‌های زمین‌شناسی است که از ۲/۵ میلیون سال تا ۱۰ هزار سال پیش را در بر می‌گیرد.

خر، واروایی و پناهگاه سنگی پاسنگر نشانگر تغییر تدریجی اقتصاد به سمت جمع‌آوری گیاهان وحشی است. ادعا می‌شود که از انتهای دوره پارینه‌سنگی (زرزی) تا اوایل دوره نوسنگی (بدون سفال) یک شکاف زمانی و جابه‌جایی از ارتفاعات به مکان‌های پست‌تر در زاگرس صورت گرفته است. در زاگرس، پس از زرزی، هیچ نمونه‌ی مشابهی با فرهنگ ناتوفی^۱ در سرزمین شام وجود ندارد. شاهد بعدی از نظر زمانی به یک سری کوچک از محوطه‌های نوسنگی پیش از کشف سفال مربوط است که ردپای کمرنگی از معماری در آنها یافت می‌شود (به زیر نگاه کنید). برخی پژوهشگران استدلال می‌کنند که شکاف زمانی و جابه‌جایی از ارتفاعات به مکان‌های پست‌تر می‌تواند ناشی از تغییرات زیست‌محیطی در منطقه باشد. اطلاعات به دست آمده از گرده‌های گیاهی بین سال‌های ۱۳/۰۰۰ تا ۱۱/۰۰۰ پیش از میلاد نشان می‌دهند که شرایط آب و هوایی، درست پیش از بهتر شدن، به طرز چشمگیری خشک‌تر یا سردتر شده است. بنابراین، ارتفاعات میانی زاگرس (۶۰۰ تا ۱۵۰۰ متر بالاتر از سطح دریا) بین دوره میان‌یخچالی^۲ تا دوره یانگر دریا^۳ تا حد زیادی بدون درخت باقی مانده و در نتیجه حیوانات و گیاهان محدودی برای بهره‌برداری در اختیار انسان‌ها بوده است. این دگرگونی‌ها شکارچیان و گردآورندگان را وادار کرد که به ارتفاعات پایین‌تر بیایند، جایی که با اجداد وحشی برخی حیوانات، از همه مهم‌تر بزسانان یعنی بزها و گوسفندان، در ارتباط نزدیک قرار گرفتند.

فراپارینه‌سنگی و نوسنگی جدید (۱۲/۰۰۰ تا ۶۰۰۰ سال پیش از میلاد)

سرآغاز تولید غذا و یکجانشینی

کوه‌های زاگرس و کوهپایه‌های غربی آنها احتمالاً یکی از مکان‌های خاور نزدیک بوده که دو تحول مهم تاریخ بشر، تولید غذا و یکجانشینی، در آنها آغاز شده است. در اواخر دوره فراپارینه‌سنگی (۱۰/۰۰۰ تا ۸۰۰۰ سال پیش از میلاد)، رژیم غذایی شکارچی-گردآورندگان تغییری بنیادین کرد و به سمت استفاده‌ی بیشتر از منابع جانوری کوچک‌تر و محلی، و همچنین منابع گیاهی بیشتر، سوق پیدا کرد. احتمالاً نوسانات آب و هوایی پس از پلیستوسن و تغییرات محیطی - خاور نزدیک انگیزی مهمی برای این تغییرات بوده است؛ گروه‌های شکارچی-

۱- از فرهنگ‌های معروف دوره پارینه‌سنگی جدید مبتنی بر دروی غلات وحشی و ماهیگیری.

۲- دوره میان‌یخچالی گرم بین دو دوره سرد در آخرین عصر یخبندان بوده است (۱۴۶۰۰ سال پیش).

۳- یانگر دریا^۳ یکی از دوره‌های سرد زمین‌شناختی که پس از دوره کوتاهی گرم رخ داد (۱۱۵۰۰ سال پیش).